

نوروز در سیر تاریخ

نویسنده: محمد جان " فروتن "



۱۱ اپریل ۲۰۱۵

جشن "نوروز" یا "نوکرۆچ" در پهلوی، و نوروز (النیروز- یوم الجدید) که اعراب آن را "سید الفصول" هم میگفتند. در فرهنگ زبان فارسی دری به معنی نخستین روز حمل (فروردین ماه) و از قدیم ترین جشن های ملی آریائیان به مثابه جشن رستاخیز طبیعت و باربری شب و روز و جدایی بهار از زمستان آمده است. بر اساس باور های اساطیری تجلیل از نوروز با "طوفان آریایی" آغاز گردیده که اوستا آن را بگونه ذیل بر شمرده است: " آنگاه من اهورامزدا به جم دو ابزار دادم، یکی نگین زر و دیگری عصای زر نشان، و جم دارای اقتدار گردید و سه صد زمستان از سلطنت وی گذشت " و خلاصه آن اینست که بر اثر ازدیاد انسان و حیوان و پرندگان در روی زمین و جایگاه زنده گی بر آنان تنگ گردید، جم با نگین زر زمین را بسود و عصای زر نشان به آن بمالید و زمین دامن بگشود و یک ثلث بزرگ گردید.

سر انجام جم از پایان زمستان سرد و سوزان مژده داد، و مردمان در انتظار فرا رسیدن آن وقت بیصبرانه لحظه شماری میکردند. آن روز فرا رسید: سپیده دمید و خورشید با گردونه زرین خود، در پهنای آسمان خرامید و " نوروز فرا رسید. ازین رو نوروز در پایان یک دوره طولانی تأثر و نومیدی مردم جشن فرخنده و پایان سیه روزی طولانی مردم بوده و در

سه اندیشه مذهبی آریایی ها مثل " آئین مهری" یا " زروانی" (زمان خدایی) و "مزدیسنا" یا زردشتی که ریشه در اندیشه های قدیم و ابتدایی بشریت در خصوص طبیعت دارند، وجود داشته است.

بنا بر روایات قدیم نوروز با زنده گی و سلطنت جمشید همخوانیها و پیوستگیهای تنگاتنگ دارد که در خصوص فرا رسیدن زمستان طولانی و سوزان و ساختمان قلعه "قلعه ورم" در دوران پادشاهی این پادشاه پیشدادی ارتباط مییابد. نوروز جشن تاج پوشی (یما-جمشید) سر سلسله دودمان آریایی پیشدادی باختر نیز میباشد.

به موجب روایات اوستا، بعلت سردی طولانی هوا در آریاناویجه، در آغاز فصل سرما ده ماه و فصل گرما دو ماه بود، ولی بعداً تابستان یا فصل گرما Hama هفت ماه و زمستان Zayma پنج ماه گردید. در آغاز، شروع فصل گرما جشن نوروز و آغاز سرما مهرگان بود، که اولین در فروردین ماه و اعتدال ربیعی و دومین در مهر ماه (میزان) و اعتدال خریفی (پائیزی) واقع گردیده است.

نوروز را نمیتوان به حیث یک واژه در قاموس زندگی و در طیف رنگین طبیعت اقلیمی سرزمین ما و در متن زندگی مردم این سرزمین در پویه زمان با بینشها و باور های گوناگون از آن معنا بخشید، نوروز و مفاهیم زیادی را چون اهرم کثیرالسطوح حیات در درک و شناخت نظام طبیعت به نمایش میگذارد، که در هر یک از سطوح آن میشود نمادهای حرکت و تحول (فلسفی)، تعادل و توازن، تاریخ و فرهنگ، نجوم و ریاضیات و شعر ادبیات را با رسایی هر چه تمام بخوانش گرفت.

به گواهی تاریخی و گاهنامه های اساطیری آریایی میتوان گفت، نوروز جشنی است همزاد آدم. از روزگار کیومرث که قدم های بطی زمان راه پیموده و پیام دوره های گنگ تاریخ را از سرزمین های ناشناخته اسطوره به زمانه پیشدادیان و کیانیان رسانیده است. هر چند آغاز نوروز به زمانه اسطوره ای پیش از آریانیان مربوط میگردد، که از آغاز دقیق آن به مشکل میتوان حرف زد، اما مستخرجین سالنامه های قدیم و پژوهشگران امور تاریخ مبداء این روز را در (5693) سال پیش از این (1393) میدانند.

نوروز، میراث و جشن بزرگ آریایی و عید خجستهء اغلب ملت ها خاور زمین است. نوروز، جشن ملی منطقه و نماد همبستگی اقوام و ملت های حوزهء تمدن آریایی در قلمرو آسیا، بخش ها افریقای شمالی و اروپا است.

نوروز، جشن طبیعت و عید ملی و تاریخی آریائیان بوده که در 8 میزان 1388، از طرف یونسکو، در ملل متحد به عنوان میراث غیر ملموس جهانی ثبت گردید و در 4 حوت 1388 برابر با 22 فبروری 2009 میلادی، به عنوان جشن جهانی شناخته شد که در متن تصویب شدهء مجمع عمومی سازمان درین مورد آمده است: "نوروز جشنی است با ریشه آریایی و با قدامت دو هزار ساله که امروز بیش از دوصد ملیون انسان آن را تجلیل می نمایند."

در تجلیل از نوروز جند ویژگی و خصوصیات وجود دارد:

✓ نخست این که نوروز، آغاز بهار و سر آغاز بیداری و رستاخیز طبیعت است. ازین رو، طبیعی ترین و پارینه ترین عید بشری است.

✓ نوروز نماد مرگ و حیات؛ یا نابودی و رستاخیز خلقت است. آفریدگار با بهار و جان بخشی هستی، رستاخیز و زندگی بعد از مرگ را به انسان ها تصویر مینماید که از این لحاظ نیز قابل تأمل و در خور توجه است.

✓ برای آریائیان و زیست مندان خاور زمین، که چهار فصل سال را با وضاحت تجربه می نمایند، یک جشن ملی و تاریخیست.

زیست مندان آریین زمین با در نظر داشت یکی از این سه باور، نوروز را تجلیل میکردند:

باور تاریخی: با در نظر داشت این باور، پیشینیان، نوروز را تولد کیومرث، نخستین انسان و فرمان روای آریایی، تولد هوشنگ و زاد روز یا روز زایش کیخسرو دانسته آنرا تجلیل می نمودند و همین گونه عقیده داشتند که:

- در همین روز کیومرث، جمشید، کیخسرو و گشتاسپ به پادشاهی رسیده اند.
- یا: در همین روز فریدون کشور را بین فرزندان خود تقسیم کرده است.

باور دینی: باور داشتند که نوروز، روز خلقت جهان است. همچنان البیرونی در کتاب التفهیم آورده است: "نوروز نخستین روز است از زمانه و فلک بدو آغازیدگشتن."

- گفتند: نام این روز هر مزد است و هر مزد نام آفریدگار است.

- گفتند: در این روز تهمورث بر دیوان، که برکت را برده بودند، پیروز شد. آئین ستاره پرستی را زایل کرد و دین قدیم را جاری ساخت.

باور مردمی (میله بهاری): در کنار باورهای تاریخی و دینی، عامه مردم عقیده دارند: "این جشن طبیعت، میله بهار، میله نهال شانی و سبزه کویی و شادی در دامان طبیعت است. بعدها، زردشتیان خواستند از نوروز به نفع دین خود بهره گیری نمایند، گفتند:

- نوروز، روز تولد زردشت است.

- گفتند: در این روز شاه گشتاسپ آئین زردشتی را پذیرفت.

چنان شد که بزرگترین مراسم شاهان زردشتی مذهب، در ایام نوروز سازمان یافت.

حکیم عمر خیام نیشاپوری مینویسد: "در روز نوروز، نخستین کسی که نزد شاه می آمد، موبد موبدان یا پیشوای کل آئین زردشت بود.

موبد موبدان در دست جام زرین، انگشتر، درم و دینار، یک دسته خوید سبز، شمشیر، تیر و کمان و دوات قلم داشت. استر، باز و غلامی با او نیز همراه بود. او نزد شاه داخل میشد و شاه را ستایش میکرد با شعر. در حقیقت در روز نوروز، موبد موبدان، به شاه، شعر هدیه میکرد و با هدیه شعر، او را ستایش می نمود و آن همه چیزهای را که با خود داشت نزد شاه میگذاشت، تا همه خواسته های در سال روان فراوان گردد. این امر به فال نیک گرفتن سال نو، در روز نوروز بود.

موبدان، شاه را ستایش میکردن به شعر. آن سروده در "نوروزنامه" حکیم عمر خیام بنام "آفرین موبدان" یاد شده است.

وقایع و روی داد های تاریخی که در نوروز اتفاق افتیده اند:

بر اساس روایات اساطیری و تاریخی در نوروز وقایع و رخدادهای شگرفی بوقوع پیوسته اند:

- در نوروز کشتی نوح از طوفان بلاجست و برکوه جودی نشست.

- در همین روز حضرت موسی کلیم الله از بارگاه ایزد یکتا وحی گرفته است.
- حضرت عیسی (ع) ابن مریم در نوروز به پیغمبری مبعوث گردید.
- در همین روز حضرت سلیمان(ع) انگشتر خود را که راز حشمت و حکمت او بود پس از چهل روز باز یافت.
- زردشت در سی سالگی دین بهی را آشکار کرد و آن روز نوروز بود.
- بنا بر روایاتی از امام جعفر صادق نوروز، روزیست که جبرئیل بر پیغمبر(ص) نازل شد و روزیکه ابراهیم بت ها را شکست. و یا هم خلقت عالم هستی در همین روز پایان یافته است.
- درین روز پیامبر اکرم(ص) بت های کعبه را شکست.
- درین روز حضرت علی(رض) به خلافت اسلامی نشست.

عمر خیام نوشته است: "...چون صد و شصت سال از ملک افریدون بگذشت دور دوم از تاریخ کیومرث تمام شد و او دین ابراهیم(ع) پذیرفته بود، و پیل و شتروپوز را مطیع گردانید" با این دیده میشود که قبول گردیدن دین ابراهیم (ع) توسط فریدون پسر جمشید بعد از سیر یک هزار سال و شکست بیوراسپ یا اژدی دهاک در این ایام به ترتیبی پیوند جشن نوروز را به یکی از ادیان برحق آسمان میتاباند.

قدیم ترین زمانیکه سایه روشنهایی نوروز در آن دیده میشود " در هزاره سوم قبل از میلاد است که بخاندان سلطنتی " اور" ربط میگردد. از آن جا که سومری ها از طریق سرزمین ایران و خلیج فارس به بین النهرین رفته اند، متحماً عید رایج آن نواحی را پیش از مهاجرت آریایی ها با خود برده اند. این جشن در حقیقت جشن پیروزی "انایا انکی" بر "اپسو" غول آبهای شرین بود. این عید را که یادگار اساطیر و آئین های سومریست، بابلی ها نیز حفظ کرده اند.

واژه نوروز:

واژه نوروز یک اسم مرکب است که از ترکیب دو واژه فارسی "نو" و "روز" به وجود آمده است. این نام در دو معنی بکار میرود:

نوروز عام: روز آغاز اعتدال بهاری و آغاز سال نو.

نوروز خاض: روز ششم فروردین " روز خرداد"

جغرافیای نوروز:

منطقه ای که در آن جشن نوروز برگزار میشود، امروزه شامل چند کشور میشود. نوروز همچنان درین کشورها جشن گرفته میشود. باوجودی که بسیاری از آئین های نوروزی در این کشورها بصورت مشابه در این کشورها برگزار میشود، اما برخی آئین های نوروز در این کشورها دارای تفاوت های با یک دیگر هستند. بطور مثال در افغانستان در روز اول نورو، سفره هفت میوه میچینند و لی در ایران، سفره هفت سین میاندازند. پس جغرافیای نوروز با اسم نوروز یا مشابه آن به سراسر خاور میانه بالکان، قزاقستان، تاتارستان و آسیای میانه چین شرقی (ترکستان چین) سودان، زنگبار آسیای کوچک سراسر قفقاز تا آستراخان آمریکای شمالی هندوستان، پاکستان، بنگلادیش، بوتان، نیپال، تبت محدود میشود. همچنین کشورهای مانند مصر و چین جز سرزمین های نیستند که در آنها نوروز جشن گرفته میشود.

کشورهایی که نوروز را جشن میگیرند:

ایران، افغانستان، تاجکستان، ترکمنستان، عراق، ترکیه، سوریه، لبنان، جمهوری آذربایجان، ازبکستان، قرغزستان، قزاقستان.

نوروز در زمان سلسله هخامنشیان:

نگاره مراسم پیشکش هدایا به پادشاه ایران در تخت جمشید. برخی از پژوهشگران، این مراسم را به نوروز مربوط میدانند.

کوروش دوم بنیان گذار هخامنشیان، نوروز را در سال 538 قبل از میلاد، جشن ملی اعلام کرد. وی در این روز برنامه های برای ترفیع سربازان، پاک سازی مکان های همگانی و خانه های شخصی و بخشش محکومان اجرا مینمود. این آئین ها در زمان دیگر

پادشاهان هخامنشی نیز برگزار می‌شده است. در زمان داریوش یکم، مراسم نوروز در تخت جمشید برگزار می‌شد.

نوروز در زمان اشکانیان و ساسانیان:

در زمان اشکانیان و ساسانیان نیز نوروز گرامی داشته می‌شد. در این دوران، جشن‌های متعددی در طول یک سال برگزار می‌شد که مهمترین آنها نوروز و مهرگان بوده است.

برگزاری جشن نوروز در دوران ساسانیان چند روز (دست کم شش روز) طول کشید و به دو دوره نوروز کوچک و نوروز بزرگ تقسیم می‌شد. نوروز کوچک یا نوروز عامه پنج روز بود و از یکم تا پنجم فروردین گرامی داشته می‌شد و روز ششم فروردین (خرداد روز)، جشن نوروز بزرگ یا نوروز خاصه بر پا می‌شد. در هر یک از روزهای عامه، طبقه‌ای از طبقات مردم (دهقانان، سپاهیان، پیشه‌وران و اشراف) به دیدار شاه می‌آمدند و شاه به سخنان آنها گوش میداد و برای حل مشکلات آنها دستور صادر می‌کرد. در روز ششم، شاه حق طبقات گوناگون مردم را ادا کرده بود و در این روز، تنها نزدیکان شاه به حضور وی می‌آمدند.

اردشیر بابکان، بنیان‌گذار سلسله ساسانیان، در سال 230 میلادی از دولت روم که از وی شکست خورده بود، خواست که نوروز را در این کشور به رسمیت بشناسند. این درخواست مورد پذیرش سنای روم قرار گرفت و نوروز در قلمرو روم به Lupercal معروف شد.

در دوران ساسانیان، 25 روز پیش از آغاز بهار، در دوازده ستون که از خشت خام برپا می‌کردند، انواع حبوبات و غلات (برنج، گندم، جو، نخود، ارزن، و لوبیا) را می‌کاشتند و تا روز شانزدهم فروردین آنها را جمع نمی‌کردند. هرکدام از این گیاهان که بارورتر شود، در آن سال محصول بهتری خواهد داد.

نوروز در دوره اسلام:

نوروز در تاریخ دوره اسلامی ما برخلاف بینش و باورهای آنایک، با نقل قول از منابع عربی آنرا "جشن مجوس" میدانند، در پیشگاه بزرگان اسلام و اهل فضل از جایگاه و بینشهای بلندی برخوردار گردیده است. نوروز در آغاز پیروزی اسلام و در طول دوران

هویت ستیزی حکام افغان درین سرزمین یکی از موارد مورد منازعه بوده و خوسته اند تا آنرا وسیله اختلاف بین مقاطع تاریخی و نسلهای این سرزمین بنام دوره اسلام و پیش از اسلام بسازند. بگونه ایکه نوروز ستیزی در کنار یک سلسله برنامه های هویت براندازی در دوره حاکمیت طالبان با تحجر و تحکم به یک مسئله مود روز تبدیل گردید. درین دوره نوروز را تکفیر نمودند و برگزاری آنرا خلاف احکام دین اسلام خواندند، و برگزار کنندگان آنرا مستوجب مجازات دانستند. حالانکه درین روز مسلمانان با قلب آکنده از ایمان و اخلاص بر زیارتگاه های شخصیت های بلند مقام مسلمان حضور مییابند و با بجا آوردن مراسم دعا و نیایش جهنده ها بر می افروزند.

کسانیکه نوروز را تکفیر کردند، مجسمه های بودا را در بامیان و منار چکری را در خورد کابل نیز گردن زدند و منفجر نمودند، و از کتابخانه تا موزیم و نگارستان های و بایگانی های فرهنگی را منهدم گردانیدند، معلوم است که نه نوروز و نه هم هیچ یکی از موارد بیان شده تقصیر اسلامی نداشتند، اما با مشی های فرهنگ ستیزان سازگار نبودند.

هر چند در مورد بر انگیختن همچو احساسات نمیشود درینجا بصورت لازم صحبت نمود، اما ذهنیت حلقه های نوروز ستیز از همان جا ها و منابع معلومی که به " آریانا ستیزی " مشهور اند نیز آب میخورد.

جشن گرفتن نوروز در واقع ادای شکرانه نعمت های الهی است. نوروز نه جشن منحصر به مسلمانان است و نه عید ویژه مجوسان. همان طوریکه گفته شد در اصل عید طبیعت و جشن بی ضرر کشت و کار است. نه مجوسان میتوانند آن را نا دیده انگارند، و نه مسلمانان تکفیرش کنند. نوروز ستیزان در اصل اهداف دیگری را در جهت ستیزه با هویت تاریخی و فرهنگی آریائیان که نوروز رکن مهمی درین حلقه بشمار میرود، استقامت میدهد. برای اجرای این مقصد حتی از دین هم میخواهند استفاده کنند، و بر ضد آن مجوز شرعی بسازند.

علمای دین به سنتهای ارزشمند و نفع رسان مردم و رسم های هستی سازنده گی احترام دارند. فرهنگ ستیزی در سنت های نکوهنده را آنانی دنبال میکنند که بگفته سید قطب یکی از بنیان گذاران نهضت اسلامی " قرآن را برای مغفرت مرده گان میخوانند، نه برای رهنمایی زندگان، وای بر عالمانی که تنها محافل عزا داری با آیات قرآنی تزئین مینمایند. "

نوروز علاوه بر همه تعارفی که برایش گفتیم با روزهای متبرک و پر میمنت اسلامی تصادف و تطابق نموده است. عده ای از دانشمندان جشن نوروز را ابعاد دینی نیز دانسته اند.

در قرآن کریم در آیه 45 سوره اعراف میخوانیم، ترجمه: "به تحقیق پروردگار شما آن خدایی است که آفرید آسمانها و زمین را در شش روز، سپس بر تخت جای گرفت".

داکتر رضا شعبانی با توجه با آیه فوق در تحویل روز هفتم میگوید: بر تخت نشستن یا برتخت جای گرفتن یاد آور روز هفتم است، بر تخت نشینی حضرت باری تعالی پس از روز ششم یاد آور همان روز نوروزی است که روز آسایش و آرامش و جشن و شادی است. و همچنان متکی بر فحوای آیه های 3 سوره یونس، آیه 8 سوره هود و سوره های فرقان و سجده و قاف بر مناسبات و پذیرش نوروز را در اسلام مامولش را توضیح میدهد.

امام جعفر صادق با توجه به متن همین آیت قرآنکریم فرموده است که جشن نوروز برای آفریده شدن آدمیان است. مطابق به فرموده امام جعفر صادق " در آغاز فروردین آدم آفریده شد و آن روز فرخنده ایست برای خواستن نیازها و برآورده شدن نیازها. "

میتوان باور کرد که نوروز نماد مجسم مرگ و زندگی در تمام اجسام ذیروح در طبیعت است.

عبدالصمد بن علی از جد خود روایت کرده است که: در نوروز جام سیمین پر از حلوا بود برای پیغمبر (ص) هدیه آوردند و آنحضرت پرسید که این چیست؟

گفتند عید بزرگ ایرانیان است. فرمود آری، در روز بود که خداوند عسکره را زنده کرد. پرسیدند، عسکره چیست؟ فرمود عسکره هزاران مردمی بودند که از ترس مرگ ترک دیار کرده و سر به بیابان نهادند و خداوند به آنان گفت: بمیرید! بمردند. پس آنها را زنده کرد و ابرها را امر فرمود که بر آنان بیارند. ازین روست که پاشیدن آب درین دوز رسم شده است. سپس از حلوا تناول کرد و جام را میان اصحاب خود تقسیم کرد و گفت: کاش هر روز ما نوروز بود. و این نخستین بار است که واژه نوروز به عربی راه یافت.

بقول یعقوبی و با روایت از منجم ماشاءالله مصری و ابومعشر فلکی روز میلاد پیغمبر اسلام (ص) (عید غدیر خم و برات) در اول حمل بوده و سید علی خان مدنی در شرح صحیفه

آورده است که " به سبب فصول میلاد پیغمبر اکرم (ص) روز حلول خورشید به برج حمل بوده است."

در کتاب "ربیع المنجمین" آمده است "حضرت علی (ک) خلیفه چهارم اسلام در روز نوروز به مقام خلافت ظاهری اسلامی نشست."

سید نبیل علی بن عبدالحمید نسابه روایت کرده است که روز نوروز، روزیست بغایت شریف. درین روز در موضع غدیر خم، حضرت محمد(ص) حضرت علی (ک) به خلافت نصب کرد. باین معنی که روز جلوس حضرت علی(ک) بخلافت سال 35 هـ. ق. و نیز تقارن آن با روز غدیر خم (8 ذولحجه) سال دهم هجرت موافق بوده با روز 29 حوت (اسفند ماه) یعنی یکی دو روز در سال های کبیسه دار پیش از نوروز.

این ابیات کاشف درین خصوص نمونه اعتقاد شاعر و اهل زمانه اوست:

نوروز رسید، عید اکبر گردید برگرد سر ساقی کوثر گردید

امروز علی نشست بر تخت نبی زانست که روز و شب برابر گردید

حکایاتی در باب نوروز در نزد حضرت علی (ک) نقل می شود که حد خوشبینی خلیفه مسلمین را نسبت به این جشن مسلمانان شرقی قلمرو خلافت به خوبی بیان میدارد: "دسته ای از دهگانان (سران محلات) ایرانی بحضرت علی(ک) جام های سیمین خبیض (خرمایی آمیخته با روغن یا شربت نوروزی) بطور هدیه بردند. حضرت پرسید، این چیست؟ گفتند هدیه نوروزیست، خبیض را تناول نموده و گفت: "کل یومنانیروز" (هرروز نوروز ماست، یا کاش هر روز نوروز بودی) و جامها را در بین مسلمین تقسیم فرمود و آنها را به جای خراج دندگان مزبور به حساب آورد.

دکتر عنایت الله "شهرانی" ابلاغ در کتاب خود " امام اعظم ابوحنیفه (رح) و نظریات آن در عقیدت اسلامی" نوشته است که "... باری نعمان به علی (ک) قدری فالوده در روز نوروز که اولین روز بهار است، تقدیم نمود، پس علی هدیه اش را پذیرفت و گفت هرروز ما نوروز است." همین مطلب در بدیع اللغه و تاریخ بغداد تذکر داده شده است.

نوروز یکی از مناسبت های مشترک و آشتی دهنده پیروان آئین های مختلف دینی در بخش بزرگی از قاره آسیا بشمار میرود. در واقع دین اسلام هم با رسم و اصلهای همگرایی و تفاهم و مسالمت بین پیروان آئین های مختلف، مخالف نمیشد.

فرموده حضرت پیامبر اسلام (ص) است که: " به خدایان دیگران بی حرمتی ننمائید، تا بر پروردگار شما بی احترامی نکنند." و یا پیامبر (ص) مسلمانان را به دین ابراهیم (ع) و سایر ادیان بکتا پرستی

توصیه نموده و مسایلی چون تعلیمات زردشتی پیامبر آریایی بر پایه (گفتار نیک، پندار نیک و کردار نیک) مورد توافق همه ادیان بعدی قرار گرفته، و اصلهای انسانگرایانه ای مثل (صله رحم، کمک، و همدردی به فقرا و مستمندان، بازدید و عیادت مریضان، احترام به بزرگان، رفتن به احترام کلانسالان، در روز های عیدی و جشنی، تلاش برای ایجاد صداقت و دوستی بین مردم، مبارزه بر ضد آفات و تهدید های اجتماعی، مبارزه بر ضد استبداد و جهل گرایی و دهها مورد دیگر در ادیان پیش از اسلام هم وجود داشته اند، و پیامبر اسلام خود بصورت کامل ازین صفات نیک و نوع گرایانه برخوردار بوده و امت خود را به رعایت آنها توصیه مینمود.

تقارن نوروز با جوانی طبیعت و تداول رسمی و تدریجی آن در طول تاریخ و گسترش دامنه آن در سراسر خلافت نشین اسلامی نوروز را طرف توجه و احترام خلفای قرار داد. نخستین باری که نوروز در دوره اسلامی شکوه و بزرگی خود را بدست آورد، اول عصر عباسی بود.

المتوکل خلیفه عباسی در سال 243 هجری- قمری سپس المعتضد بالله در سال 282 برای اینکه نوروز را به جایگا دقیق آن یعنی اول فروردین برگردانید، احساس نمودند که نخست باید سال "کبیسه" را اصلاح نمود،

در عهد غزنویان از حسن تصادف نوروز یا روز نخستین سال به نقطه اعتدال ربیعی قرار گرفت و جشن بهار که پیام آور گل ریحان و سبزه است با عید نوروز که یادگار خوش باستان است، یکجاشد و تجلیل گردید. این بیت فرخی سیستانی از همین تقارن و مناسبت خبر میدهد.

ازین فرخنده فروردین و خرم جشن نوروزی

نصیب خسرو عادل، سعادت باد و پیروزی

پس بنا بر روایات احادیث و گفته های علما میتوان گفت که نوروز نه تنها یک جشن باستانی، ملی و بین المللی است بلکه جشن رستاخیز طبیعت است، تجلیل از نوروز تجلیل از دوباره زنده شدن طبیعت و ادای شکرانه نعمت های الهی است، و میتوان گفت نوروز عید بجا آوردن شکرانه نعمت های خداوند(ج) دانست که هیچ یک از ادیان سماوی و سایر ادیان دیگری نمیتوانند این را کتمان نمایند و نوروز را نادیده بگیرند.

اسلام دین عقل، تفکر و اندیشه است و دینی است که بر مبنای فطرت انسانی نازل شده است و هیچ گاه با فرهنگ های پسندیده و قبول شده تناقض نداشته بلکه با آن ها همگام بوده و میباشد. اینک کسانی که نوروز را مغایر و مخالف با دین اسلام میدانند کسانی اند که با فرهنگ آریایی دشمنی دارند و تمامی تار و پود زندگی شان با تعصب کینه توزی و فرهنگ ستیزی گره خورده است.

مأخذ :

1- نوروز نامه پرواز گرد آورنده مسعود یمام سال چاپ 1389.

2- نوروز و بزرگداشت آن در بدخشان پوهنوال دکتور سید اکرام الدین حصاریان سال چاپ 1392.

3- سلام بر تو نوروز آریایی دکتور صاحب نظر مرادی سال چاپ 1390.